

Civilization Studies in Iran after the Islamic Revolution

Received: 2021/4/21

Accepted: 2021/9/1

Habibollah Babaei*

(34-60)

This article seeks to clarify the studies of civilization in Iran after the Islamic Revolution in 1979. Although there have been civilizational studies before the Islamic Revolution, with the advent of the Revolution, fundamental changes have taken place in the content and aim of such studies. In the pre-revolutionary period, the meaning of "civilization" was equal to renaissance and modernization, which had nothing to do with religion and Islam. But after revolution, the issue of "civilization" along with Islamic content was raised for the comprehensive realization of Islam in today's Muslim world and it was used in the literature of the leaders and elites of the revolution as a transitional strategy to get out of the current situation of the Islamic world. What is mentioned in this article refers to the centers and activities of civilization in the Islamic Seminary (Hawzeh) and university after the Islamic Revolution. Although these activities and studies in the post-revolutionary period have not yet been so productive and developed, by way of these studies, important steps have been taken in the field of civilizational theory, and more important steps have been taken in shaping the civilizational approach.

Keywords: Civilization, Islamic Civilization, Iran, Islamic Revolution.

*. Assistant Professor of Islamic History and Civilization, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran, habz109@gmail.com.



مطالعات تمدنی در ایران پس از انقلاب اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰

حبیب‌الله بابایی*
(۳۴-۶۰)

چکیده

این نوشتار در پی تبیین مطالعات تمدنی در ایران پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ است. هرچند مطالعات تمدنی پیش از انقلاب اسلامی نیز وجود داشته است، با رخداد انقلاب، تحولات مبنایی در محتوا و غایت این گونه از مطالعات پدید آمد. موضوع «تمدن» در دوره قبل از انقلاب، به معنای تجدد و مدرنیزاسیون به کار می‌رفت که نسبتی با دین و اسلام نداشت، ولی «تمدن» در دوره بعد از انقلاب، همراه با فحوای اسلامی و برای تحقق جامع اسلام در جهان امروز مسلمانان مطرح شد و در ادبیات رهبران و نخبگان انقلاب به‌عنوان استراتژی گذار از وضعیت کنونی دنیای اسلام پی گرفته شد. آنچه در این مقاله آمده، اشاره به مراکز و فعالیت‌های تمدنی در حوزه و دانشگاه بعد از انقلاب اسلامی است. هرچند این فعالیت‌ها و این مطالعات در دوره پساانقلاب هنوز فربه نشده و نضج لازم را نیافته، از رهگذر این مطالعات، گام‌های مهمی در حوزه نظریه تمدنی، و همین‌طور گام‌های مهم‌تری در شکل‌گیری رویکرد تمدنی برداشته شده است.

واژگان کلیدی: تمدن، تمدن اسلامی، ایران، انقلاب اسلامی.

* استادیار تاریخ و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران - habz109@gmail.com

مقدمه

ادبیات تمدنی در ایران امروز، پیشینه‌ای در دوران قبل از انقلاب دارد، لیکن انقلاب اسلامی در سیر مفهومی تمدن در ایران تغییرات بنیادینی به وجود آورد و مفاهیم تازه‌ای را ذیل واژه تمدن مطرح کرد. نگاه تمدنی در دوره‌های پیش از انقلاب ایران انباشته از مقولات عرفی و دنیوی^۱ بود، درحالی‌که نگرش تمدنی بعد از انقلاب از معنای سکولار نهفته در تاریخ لفظ «تمدن» تهی شد و به مفهومی دینی، اسلامی و حتی معنوی منقلب گردید. بدین‌سان هرچند در تاریخ لفظ تمدن^۲ و در تطورات مفهومی آن در غرب (در فرانسه و آلمان) معنای عرفی شدن^۳ وجود داشته است، این لفظ در تاریخ انقلاب و بعد از انقلاب، کاربردی دین‌بنیان و در راستای رسالت دین و تحقق جامع اسلام دارد. فلسفه تمدن و فرایند تمدن شدن در غرب و همین‌طور در ایران پیش از انقلاب، در مسیر تفکیک دین از زندگی بوده است، درحالی‌که فلسفه تمدن و تمدن‌پژوهی در ایران بعد از انقلاب ارائه‌الگوی نظری و عملی از زیست تمدنی بر پایه آموزه‌های اسلام بود. با همین رویکرد، تمدن‌شناسی و تمدن‌سازی در ایران بعد از انقلاب ضرورت دینی به خود گرفت و توجه سیاست‌مداران در نظام جمهوری اسلامی، و جریان انقلابیون از پژوهشگران حوزه و دانشگاه را به خود جلب کرد.

تمدن در عرصه‌های سیاسی (دوره بعد از انقلاب)

ادبیات تمدنی عالمان و فقیهان سیاست در جمهوری اسلامی ثابت نبوده و تطورات مختلفی داشته است. واژه «تمدن» در ادبیات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، بیشتر حالت نفی و سلب دارد و ایشان با به‌کارگیری واژه تمدن، به رد و انکار تمدن غرب و تمدنی که نظام شاهنشاهی آن را در کتاب به‌سوی تمدن بزرگ وعده می‌داد می‌پردازند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۳۶۹ و ۸۴۰-۴۱۱). در یک نگاه، پروژه فکری امام، باتوجه‌به جایگاه تاریخی و نقش بنیان‌گذاری ایشان در انقلاب، حکومت اسلامی (فاز اول

1. Secular.
2. Civilization.
3. Secularization.

ساخت تمدن اسلامی) بوده است و نه کلیت تمدن اسلامی. در نگاه دیگر و باتوجه به عبارت‌های دیگر امام که اسلام را در اعلامرتبه تمدن می‌دانند (همان، ج ۱: ۳۰۱) یا تمدن مسلمانان را فوق تمدن‌ها می‌شمارند (همان: ۳۷۴) یا بر تمدن الهی تأکید می‌کنند (همان، ج ۶: ۳۴۳)، امام به جنبه‌های ایجابی تمدن به اختصار اشاره کرده‌اند، لیکن چون دوره رهبری ایشان دوره تأسیس و نه تفسیر و تفصیل گفتمان انقلاب و جمهوری اسلامی بود، در عمل نتوانستند به جنبه‌های ایجابی تمدن اسلامی وارد شوند. باین همه و به‌رغم ادبیات سیاسی و سلبی امام در موضوع تمدن، به لحاظ مبانی فکری و اندیشه‌های اجتماعی، سیاسی، فلسفی و عرفانی ایشان، نمی‌توان امام را مبدع یا مؤسس تمدنی به حساب نیاورد. اگر رویکرد تمدنی را بتوان متشکل از پنج عنصر دانست: ۱. نگرش نظام‌مند به معرفت دینی، ۲. اصول‌گرایی در حوزه فهم دین و توسعه‌گرایی در حوزه تحقق دین، ۳. تکامل در روش اجتهاد و تجدید نظر در روش علوم، ۴. ضرورت تدوین الگوهای اجتماعی، و ۵. پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی (سبحانی، ۱۳۸۵: ۵۲۹-۳۰۱)، آنگاه باید امام را مؤسس تمدنی به‌شمار آورد. از این نظر، شاخصه‌های اندیشه تمدن‌گرا را در آرا و عملکرد امام خمینی^۱ بیش از هر جای دیگر می‌توان جست‌وجو کرد. ایده‌ها و طرح‌های امام درباره انقلاب فرهنگی، وحدت حوزه و دانشگاه، اتحاد امت اسلامی، نقش زمان و مکان در اجتهاد، ولایت مطلقه فقیه و احکام حکومتی و سرانجام تفسیر حکومت به‌عنوان فلسفه عملی فقه، همه نقطه‌های عطف اندیشه تمدن‌گرا بوده است (سبحانی، ۱۳۸۶: ۲۶۶).^۱

بعد از امام خمینی^۲، ادبیات سلبی تمدن در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای^۳ ادامه یافت و از سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱م)، ادبیات ایجابی تمدن در گفته‌های ایشان آغاز شد. پس از دو سال از تأکیدهای مقام معظم رهبری بر ضرورت تمدن‌سازی و صورت‌بندی تمدن اسلامی، نظریه چالش‌برانگیز هانتینگتون مبنی بر برخورد تمدن‌ها (به‌صورت مقاله در سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳م))^۲

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. گروه مؤلفان، نهضت علمی و فرهنگی از نگاه امام خمینی^۴، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.

2. Samuel P. Huntington, "The Clash of Civilizations?", Foreign Affairs, v. 72, no. 3 (1993), p. 22-49.

و سپس به صورت کتاب در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶م)^۱ منتشر شد. در سی ام شهریور ۱۳۷۷ (سپتامبر ۱۹۹۸) سید محمد خاتمی، رئیس جمهور وقت ایران، در واکنش به نظریه هانتینگتون، طرح گفت و گوی تمدن ها (در برابر تئوری هانتینگتون) را در سازمان ملل مطرح کرد. هم زمان گفتمان تمدنی در ادبیات مقام معظم رهبری ادامه یافت و ایشان با مخاطبان بیرونی و گاه خارجی بر مسئله گفت و گوی تمدن ها^۲ و با مخاطبان داخلی بر تأسیس تمدن و فرایند ساخت تمدن تأکید کردند (از سال ۱۳۷۹ / ۲۰۰۰م به بعد). آنچه اخیراً در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم مطرح شد، در همین راستا و در ادامه گفتمان تمدن و تمدن سازی بود:

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ ترین و مردمی ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهای صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی شده است.

ایشان در فرازی دیگر از همین بیانیه بر آینده تمدنی اسلام و ایران نیز تأکید، و غایت و آرمان مسلمانان را چنین تقریر کرده اند: «دهه های آینده دهه های شماسست و شما باید که باید کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی ارواحنا فداه است نزدیک کنید.» پرواضح است آنچه رهبر بزرگوار در بیانات سی سال گذشته رهبری شان و بالاخره در این بیانیه بر آن تأکید کرده اند، تغییر ادبیات سکولار تمدن (مثلاً در کتاب به سوی تمدن بزرگ) به ادبیات انقلابی، ایمانی و اسلامی است.

بنابراین، پیش از این، «تمدن» به مثابه راهی برای گریز از دین و حرکت به سمت عرفی

1. Samuel P. Huntington, The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order, New York, Simon & schuster, 1996.

۲. ایشان در سال ۱۳۷۸ در دیدار با وزیر امور خارجه و نمایندگان سیاسی ایرانی در خارج از کشور بر اهمیت بحث و گفت و گو با تمدن ها (نه با دولت ها و مأموران سرویس های اطلاعاتی) تأکید کردند.

شدن بود، درحالی‌که اصرار بجای حضرت امام علیه السلام و تأکیدات مستمر رهبر معظم انقلاب بر این لفظ راهی به‌سوی عمل به دین جامع اسلام ترسیم و تمدن‌اندیشی و تمدن‌سازی در جمهوری اسلامی را تبدیل به جریانی انقلابی کرده‌اند. هر میزان ادبیات تمدنی در میان عالمان و فقیهان اجتماع و سیاست در ایران اوج گرفت، نگاه تمدنی و ضرورت تمدن‌سازی از سوی برخی جریان‌های روشن‌فکری که کرنش در برابر غرب را امری ناگزیر، و سکولاریزاسیون شرقی را راه برون‌رفت از عقب‌ماندگی می‌دانند، مغضوب و مطرود واقع شد. از نظر روشن‌فکران سکولار، اساساً نظریه تمدن اسلامی و پروژه تمدن‌سازی، رادیکال‌ترین و حداکثری‌ترین نظریه در موضوع رابطه دین و زندگی بود. این بدان سبب بود که آنها واقف بودند که اساساً تمدن واژه‌ای فراخ و جادار است که بسیاری از حوزه‌های اجتماعی را پوشش می‌دهد (Mazlish, 2001: 298).^۱ بر پایه همین تلقی از تمدن به مثابه کلان‌ترین واحد اجتماعی، صف‌بندی‌ها در قبال این موضوع شکل گرفت و حوزه‌ها و دانشگاه‌ها در این صف‌بندی تمدنی جا یافتند و کوشش‌هایی را به لحاظ دانشی و پژوهشی شروع کردند.

تمدن در عرصه‌های دانشی

در پاسخ به برخی ابهامات نظری «تمدن»، فعالیت‌های گوناگونی در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها مطرح شد که هریک از آنها حائز اهمیت بوده است. پیش از این، مطالعات تمدنی در دپارتمان‌های تاریخ با عنوان «تاریخ تمدن و ملل اسلامی» دنبال می‌شد، لیکن در ایام بعد از انقلاب گونه‌های مختلفی از رویکردهای نظری به مقوله تمدن نیز آغاز شد که ریشه آن بیش از آنکه در تاریخ باشد، در فلسفه و جهان‌بینی بود؛ بیش از آنکه ترجمه‌محور باشد، تألیف‌محور بود؛ و بیشتر از آنکه جامعه‌شناختی باشد، الهیاتی و دین‌شناسانه بود. نمونه این

۱. هانتینگتون می‌گوید: «بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح آن، هویت فرهنگی [یا تمدنی] است که انسان از آن برخوردار است» (هانتینگتون، ۱۳۸۲: ۴۸). برخی دانشمندان هم به‌رغم پاسخ به هانتینگتون، همین تلقی از تمدن را ارائه کرده‌اند: «منظور از تمدن، بزرگ‌ترین واحدی است درون کلیت انبای بشر که انسان به آن گرایش دارد. غیر از جمع کلی بشریت و نوع انسان، بزرگ‌ترین واحدی که انسان به آن تعلق دارد، واحد تمدن است» (نصر، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

قبیل از مطالعات را می‌توان در محصولات و آثاری که در دهه هشتاد در جمهوری اسلامی رخ نمود، مشاهده کرد که در ادامه به برخی از این آثار تمدنی در دوره جمهوری اسلامی و توسعه دانشی در آن اشاره می‌کنیم.

پژوهش‌ها در «موضوع تمدن»

ایجاد مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی (در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) نقطه آغازین مطالعات تمدنی در دفتر تبلیغات اسلامی و هسته علمی غرب‌شناسی، و سپس «گروه مطالعات تمدنی» بود که از سال ۱۳۸۲ به ابتکار محمدتقی سبحانی در قالب گروه غرب‌شناسی و سپس در قالب گروه مطالعات تطبیقی و تمدنی ظاهر شد و نخستین کتاب آن با عنوان جستاری نظری در باب تمدن^۱ چاپ شد. کتاب جستاری نظری عملاً در تعمیق مطالعات مربوط به تمدن و در توسعه رویکرد تمدنی در مطالعات انسانی و اسلامی مؤثر واقع شد و در برخی مقاطع تحصیلی مورد توجه استادان قرار گرفت. این اندیشه بعدها در کتاب کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن^۲ توسعه و تعمیق یافت. آن‌گاه چهار شماره مجله کلامی و فلسفی نقد و نظر^۳ در موضوع تمدن به اهتمام گروه مطالعات تمدنی، گامی نو و متفاوت در توسعه مرزهای دانش تمدن با رویکرد الهیاتی بود که در قالب کتابی با عنوان اسلام و تمدن در حال نشر است. علاوه بر آثار منتشرشده در موضوع تمدن، رویکردهای تمدنی در این گروه، در باب غرب‌شناسی، علوم اسلامی و قابلیت‌های تمدنی آن مورد توجه قرار گرفت و در کتاب‌هایی همچون غرب‌شناسی علمای شیعه معاصر،^۴ آیین عرفی^۵ و ظرفیت‌های تمدنی علم کلام اسلامی (در دست چاپ) ظاهر شد. افزون بر این، رخداد علمی دیگر در این گروه،

۱. احمد رهدار و همکاران، جستاری نظری در باب تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.

۲. حبیب‌الله بابایی، کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.

۳. شماره‌های ۷۴، ۷۵، ۸۰ و ۸۸.

۴. احمد رهدار، غرب‌شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.

۵. مهدی امیدی، آیین عرفی: جستارهایی انتقادی در بنیادهای سکولاریسم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰.

شکل‌گیری هسته مطالعاتی «قرآن و تمدن» بود که تاکنون بیش از پنجاه جلسه برگزار شده است که در دورویکرد تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی برای تمرین و تقریر تمدنی از قرآن تمرکز کرده است و همچنان بر ادامه آن اصرار می‌ورزد. پروژه دیگری که در این مرکز انجام گرفت، پروژه «عیار تمدنی جمهوری اسلامی» است که حاصل مطالعات تمدنی ده نفر از پژوهشگران تمدنی است که از سال ۱۳۹۴ شروع شد و تا ۱۳۹۸ ادامه یافت. این پروژه، تجربه جمهوری اسلامی را در سه ضلع «نظریات»، «اسناد» و «عملیات» به تحلیل و بررسی گذاشت تا بتواند درباره کارنامه تمدنی جمهوری اسلامی به ارزیابی اولیه دست یابد.

افزون بر پژوهش‌های ذکرشده و همین‌طور طرح اولین کرسی نظریه‌پردازی «تمدن و تنوع» در این مرکز، طراحی رشته «مطالعات نظری تمدن» (در مقطع دکتری) نیز در گروه مطالعات تمدنی در این مرکز رخ داد که پس از تصویب نهایی در وزارت علوم، در مرحله اجرا و جذب دانشجو در دانشگاه باقرالعلوم^۱ قرار گرفته است. رشته غرب‌شناسی در سطح دکتری همان دانشگاه نیز از سوی همین گروه تهیه شد. افزون بر این، سفرهای علمی مختلف در موضوع تمدن و مطالعات تطبیقی تمدن‌ها به کشورهای همچون امریکای شمالی، برزیل، اتریش، آلمان، عراق، چین و مالزی انجام گرفته که در توسعه ارتباطات علمی و تمدنی بسیار مؤثر بوده است.

مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام (مشهد):^۱ یکی دیگر از مؤسساتی که در موضوع «تمدن» پژوهش‌های مؤثر و متمرکزی در ایران داشته، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام در مشهد مقدس است. این مؤسسه در سال ۱۳۸۶ با مجوز رسمی از وزارت کشور، به‌عنوان مجموعه مردم‌نهاد، با مأموریت «تولید سیستم‌ها و فرایندهای تمدنی با اقتباس از نگرش اسلام» تأسیس شد. این مؤسسه در ده سال گذشته، محصولات معتناهی را در سه حوزه پژوهشی، آموزشی و ترویجی ارائه کرده است: در عرصه تحقیقاتی، با انتشار کتاب نگرش سیستمی به دین^۲ و انجام طرح پژوهشی «اجتهاد تمدنی؛ چیستی،

۱. این گزارش توسط حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحمید واسطی تهیه و به نویسنده ارسال شده است.
۲. عبدالحمید واسطی، نگرش سیستمی به دین: بررسی هویت استراتژیک دین، مشهد، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۸۸.

امکان و چگونگی»، به ارائه مبنای نظری پرداخته است؛ با انتشار کتاب راهنمای تحقیق با اقتباس از نگرش اسلام به هستی و علم و انجام طرح پژوهشی «الگوریتم اجتهاد»، به ارائه روش توجه کرده است؛ و با انتشار کتاب چرخه از تولید تا مصرف نان با اقتباس از نگرش اسلام^۱ و راهنمای تدریس با اقتباس از نگرش اسلام^۲ به ارائه نمونه دست زده است؛ در عرصه آموزشی هم، دوره سه ساله تربیت محقق طراح سیستم‌های تمدنی را برای طلاب درس خارج برگزار کرده است و عملاً به دو گروه پنج نفره تحقیقاتی «مدل شهرسازی با اقتباس از نگرش اسلام» و «مدل تأمین اجتماعی با اقتباس از نگرش اسلام» دست یافته است؛ در عرصه ترویجی هم چهل عنوان کتاب با نماد «نگرشی دیگر به ...»، مانند «نگرشی دیگر به آینده پژوهی»، «نگرشی دیگر به آرمان شهر»، «نگرشی دیگر به تمدن»، «نگرشی دیگر به دین»، «نگرشی دیگر به مهدویت» و «نگرشی دیگر به قرآن» تولید کرده است. علاوه بر این، نزدیک به صد دوره تربیت مدرس با موضوعات مذکور، برای استادان حوزه و دانشگاه، طلاب و دانشجویان و فعالان فرهنگی در کشور برگزار کرده و دانشنامه مجازی «مبانی، روش و نقشه راه تمدن‌سازی با اقتباس از نگرش اسلام» در نشانی الکترونیکی isin.ir را به راه انداخته است. اکنون این مؤسسه برنامه ده سال آینده خود را در تمرکز بر تولید کتاب شهر طیب (آرمان شهر اقتباس شده از نگرش اسلام با بیان تمام سیستم‌ها و فرایندهای لازم در یک شهر مطلوب با ذکر جزئیات) قرار داده است و رشته تخصصی کارشناسی ارشد حوزوی «فقه تمدنی» را دنبال می‌کند.

فرهنگستان علوم اسلامی^۳ موضوع تمدن و همین‌طور رویکرد تمدنی از دیرباز مورد توجه فرهنگستان علوم در حوزه علمیه قم نیز بوده است. از نگاه فرهنگستان علوم اسلامی، تمدن تعین‌بخش ارتباط انسان با خدا، جامعه و طبیعت می‌باشد و لازمه این ارتباط این

۱. عبدالحمید واسطی، چرخه از تولید تا مصرف نان با اقتباس از نگرش اسلام، مشهد، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۲.

۲. عبدالحمید واسطی، راهنمای تدریس با اقتباس از نگرش اسلام، مشهد، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۲.

۳. گزارش از فرهنگستان علوم اسلامی توسط حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی جمالی تهیه و ارائه شده است.

است که تمدن، هم در نحوه ارتباط انسان با خدا و هم تأثیر انسان و جامعه بر طبیعت و هم در نحوه تأثیر طبیعت بر انسان و جامعه حضور داشته باشد. البته از این نظر، مناسبات و ابعاد حیات انسانی آن‌گاه وصف تمدنی پیدا می‌کنند که به پذیرش اجتماعی رسیده و به تعبیری نهادینه شده باشند. اسلامیت تمدن به معنای جریان روشنمندی دین در تمام حوزه‌های حیات تمدنی و اجتماعی بشر است. نظام مفاهیم (مفاهیم بنیادی، راهبردی و کاربردی)، ساختارهای اجتماعی (که بر اساس آن همه ارتباطات انسانی شکل می‌گیرد) و محصولات تمدنی (که بر اساس آن، جریان نیاز و ارضا مدیریت می‌شود) زیرساخت اساسی یک تمدن است که بر اساس آن اخلاق اجتماعی و سبک زندگی شکل می‌گیرد. از منظر فرهنگستان علوم اسلامی تکامل و هماهنگی بین سه حوزه از عقلانیت، یعنی عقلانیت دینی، عقلانیت نظری و عقلانیت تجربی بر مدار وحی الهی همواره لازم است. تکامل عقلانیت دینی در راستای دستیابی به فقه نظامات تمدنی و بلکه بالاتر، فقه احکام سرپرستی تغییرات اجتماعی در مقیاس تمدنی صورت می‌گیرد و تکامل عقلانیت نظری در راستای دستیابی به حکمت تمدنی و نظام فکری اجتماعی و تمدنی و تحلیل حرکت و تغییر و کیفیت هماهنگی تغییرات پدیده‌ای اجتماعی و طبیعی در عمیق‌ترین لایه‌های فلسفی است و تکامل عقلانیت تجربی در راستای بالا بردن کارآمدی تمدن اسلامی در ارائه معادلات هماهنگ جهت تصرف در انسان، جامعه و حیات است. تکامل این سه حوزه از عقلانیت و هماهنگی بین آنها جز از طریق تکامل منطق و روش‌های پژوهش و پایگاه هماهنگ‌کننده این روش‌ها (فلسفه شدن اسلامی) در این سه حوزه از عقلانیت امکان‌پذیر نیست. از این منظر، فقاهت حوزه‌های علمیه با تأسیس قواعد جدید باید بتواند از استنباط احکام کلی برای موضوعات کلی عبور کند و فقه حکومتی را به فقه پاسخ‌گو به مسائل مستحدثه تنزل ندهد و بلکه با ارائه قواعد جدید، به دنبال استنباط نظامات از منابع باشد و بلکه بالاتر، دستگاه فقاهت باید ظرفیت خود را در سطح استنباط احکام ولایت و سرپرستی جامعه اسلامی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی در مقیاس جهانی بالا ببرد. تلاش‌های علمی و ترویجی فرهنگستان علوم در همین راستا و نوعاً با همین مبانی شکل گرفته است: کتاب

مهندسی تمدن اسلامی^۱ از حجت الاسلام والمسلمین عبدالعلی رضایی، کتاب استمرار انقلاب با کدام روایت^۲ از حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی جمالی و کتاب بینش تمدنی برگرفته از سخنرانی‌های حجت الاسلام والمسلمین سید محمد مهدی میرباقری،^۳ در جهت تبیین همین معنا از تمدن و تمدن اسلامی بوده است. شایان ذکر است علاوه بر موضوعات تمدنی، رویکرد تمدنی نیز در فرهنگستان علوم مورد توجه بوده و در برخی آثار علمی آن مانند فلسفه اصول فقه حکومتی سید منیرالدین حسینی الهاشمی، حکومت جهانی محور: گسترش یا محو انقلاب اسلامی،^۴ ترسیم روند انقلاب فرهنگی، درآمدی بر فلسفه تاریخ شیعی و جایگاه ظهور در آن، نرم افزار مهندسی تمدن اسلامی، رسالت روحانیت در دنیای جدید، مهندسی تمدنی فرهنگ (مجموعه مقالات)، تحلیل ماهیت تکنولوژی،^۵ فلسفه دین و الهیات تمدنی (در حال انتشار) و تحول در علوم انسانی^۶ ظاهر شده است.

پژوهش‌ها با «رویکرد تمدنی»

برخی فعالیت‌های انجام شده در برخی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، ضرورتاً نه در موضوع تمدن، بلکه در موضوعات مختلف ولی با رویکرد تمدنی بوده است که برخی کارهای انجام شده از این منظر را می‌توان به این شرح آورد:

دانشگاه تهران (گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی):^۷ گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی

-
۱. عبدالعلی رضایی، مهندسی تمدن اسلامی (موانع و الزامات)، قم، کتاب فردا، ۱۳۹۱.
 ۲. مصطفی جمالی، استمرار انقلاب با کدام روایت؟: شناخت گفتمان‌های «تجددگرایی اسلامی، تجددگرایی، سنت‌گرایی و تمدن‌گرایی اسلامی»، قم، تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۴.
 ۳. حسین مهدی‌زاده، بینش تمدنی: منظومه اعتقادات اجتماعی، قم، کتاب فردا، ۱۳۹۳.
 ۴. فرهنگستان علوم اسلامی، حکومت جهانی محور: گسترش یا محو انقلاب اسلامی؟، قم، فجر ولایت، ۱۳۶۷.
 ۵. عبدالعلی رضایی، تحلیل ماهیت تکنولوژی، قم، کتاب فردا، ۱۳۹۲.
 ۶. علی محمدی، محسن دنیوی و میثم گودرزی، تحول در علوم انسانی، قم، کتاب فردا، ۱۳۹۲.
 ۷. این گزارش به تقاضای نویسنده، و به اهتمام دکتر علی بیات از دانشکده الهیات دانشگاه تهران و با همراهی و تأیید دکتر سید جمال موسوی، رئیس گروه تاریخ و تمدن ملل در آن دانشکده، تهیه و ارسال شده است.

دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نخستین گروه آموزشی و پژوهشی در میان دانشگاه‌های کشور در حوزه تاریخ تمدن اسلامی بوده است که البته شروع فعالیت‌های آن به دوره قبل از انقلاب برمی‌گردد.^۱ این گروه علاوه بر رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، در دهه اخیر (در دوره بعد از انقلاب) در رشته تاریخ علم دوره اسلامی (در سه گرایش) با همکاری پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی ارشد دانشجو پذیرفته و در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی تحقیقات گسترده‌ای در حوزه علم در تمدن اسلامی رقم زده است.^۲ فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیئت علمی و دانشجویان با رویکرد تمدنی در مقطع تحصیلات تکمیلی گروه در قالب کتاب، مقاله، رساله‌های دکتری و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد بسیار متعدد و در موضوعات مختلف تمدن اسلامی بوده است که از هنر و معماری اسلامی تا علوم و فنون را دربرمی‌گیرد. نمونه‌هایی از کتاب‌های منتشرشده در موضوعات تمدنی اسلام را می‌توان در این موارد مشاهده کرد: تسخیر تمدن غرب، سیدفخرالدین شادمان؛ بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان، دکتر ابوالقاسم اجتهادی؛ مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، دکتر نورالله کسایی؛ تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، عبدالرحیم غنیمه، ترجمه و تعلیقه دکتر نورالله کسایی؛ اصناف در عصر عباسی، صباح ابراهیم سعید الشیخلی، ترجمه دکتر هادی عالم‌زاده؛ الاعلاق النفیسه، ابن رسته، ترجمه دکتر حسین قرچانلو (برگزیده در جشنواره کتاب سال جمهوری اسلامی)؛ جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، دکتر حسین قرچانلو؛ دولت زیدیه در یمن، حسن خضیری

۱. این گروه در سال ۱۳۳۵ با عنوان «فرهنگ اسلامی» شروع به کار کرد و در سال ۱۳۴۸ به «فرهنگ و تمدن اسلامی» و در سال ۱۳۶۱ به «تاریخ و تمدن ملل اسلامی» تغییر نام داد (سیداحمدرضا خضری، دانشکده الهیات، دسترسی در: <https://cgie.org.ir/fa/news/28013>).

۲. پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۵ با کسب موافقت اصولی از شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تأسیس شد و در سال ۱۳۷۸ موفق به اخذ موافقت قطعی شد و دارای اساسنامه مصوب است. هدف اصلی پژوهشکده «پژوهش و آموزش در زمینه تاریخ علوم در دوره اسلامی» است. چهار گروه پژوهشی و آموزشی شامل تاریخ ریاضی، تاریخ نجوم، تاریخ پزشکی و داروسازی و تاریخ فیزیک و فناوری از گروه‌های مصوب پژوهشکده است (همان).

احمد، ترجمه دکتر احمد بادکوبه؛ تشکیلات اسلامی، انور رفاعی، ترجمه و تحقیق دکتر جمال موسوی؛ ایران و عراق در عصر سلجوقی، عبدالنعیم محمد حسنین، ترجمه دکتر جمال موسوی و دکتر عبدالرحیم قنوات؛ بازسازی اخبار ولات خراسان، سلامی، دکتر محمدعلی کاظم بیگی؛ دریای خزر و قدرت های بزرگ، دکتر محمدعلی کاظم بیگی؛ درآمدی بر تاریخ پژوهی، مایکل استنفورد، ترجمه دکتر مسعود صادقی؛ مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان تا شورای دوم واتیکان ۱۹۶۵م، دکتر مرتضی اسعدی؛ فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان، دکتر محمدرضا ناجی؛ فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر از سقوط سامانیان تا برآمدن مغولان، دکتر علی غفرانی؛ زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه، دکتر محسن الویری؛ فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی دکن در دوره بهمنیان، دکتر محسن معصومی (کتاب برگزیده جشنواره جلال آل احمد)؛ مرینیان: جامعه، سیاست و فرهنگ در مغرب سده های میانه، دکتر یونس فرهمند؛ فاطمیان از خشونت تا رواداری، دکتر نگار ذیلابی (کتاب شایسته تقدیر)؛ نهاد ولایتعهدی در خلافت اموی و عصر اول عباسی، دکتر عباس احمدوند؛ مدجنان: پژوهشی در تعامل و تقابل اسلام و مسیحیت در اسپانیا، دکتر عبدالله همتی گلیان؛ تاریخچه شرق شناسی: کاوشی در سیر مطالعات اسلامی در غرب، دکتر عبدالله همتی گلیان.

دانشگاه امام صادق علیه السلام^۱: دانشگاه امام صادق علیه السلام با عنایت به مأموریت دینی و انقلابی خود و باتوجه به نیازهای نظری انقلاب اسلامی، تلاش کرده است نقش علمی خود را در صورت بندی تفکر و تجربه تمدنی ایفا کند و در این مسیر به طور تدریجی فعالیت های علمی و آموزشی مختلفی را به نمایش بگذارد: نخستین حرکت اساسی در فضای غیررسمی دانشگاه و تأسیس نخستین دوره های مطالعاتی غرب شناسی بین دانشجویان شکل گرفت. سنگ بنای این حرکت غیررسمی، اما جریان ساز و الهام بخش، بینش تمدنی به انقلاب اسلامی و گذشته و اکنون ایران و غرب و در یک کلمه تاریخ آگاهی بود که در شرایط فقدان تمدن شناسی، در جست و جوی استادان و راهبرانی بیرون از دانشگاه بود. در این بین کسانی همچون داوری، رجبی، زرشناس و

۱. این گزارش توسط دکتر مجید امامی تهیه و به نویسنده ارسال شده است.

شفیعی سروسنانی در شکل‌گیری این جریان که با سرعت در دانشگاه‌ها به‌خصوص فضاهای بسیج دانشجویی رشد یافت اثرگذار بودند؛ دومین حرکت مهم در دانشگاه امام صادق (ع)، با محوریت امثال دکتر همایون و برخی حمایت‌های مهدویت‌پژوهان بیرونی در قالب دفتر مطالعات، دوره‌های کارگاهی و بعدها کلاس عمومی و الزامی مهدویت و تمدن جهانی اسلام در تمام رشته‌های دانشگاه تحقق یافت که باید به این جریان رسمی‌تر، راه‌اندازی درس الزامی و عمومی «کلیات تمدن اسلامی» را هم افزود که بسی پیش از راه افتادن این درس در دروس معارف دانشگاه‌ها (به همت دکتر ولایتی) رخ داد. برای نخستین بار در نظام آموزش عالی ایران این دو درس برای همه دانشجویان عرضه شد که خود نشان از تربیت بدنه‌ای از استادان دارای صلاحیت و دارای رویکرد تمدنی در دانشگاه بود. یکی از آورده‌های مهم این حرکت، تولید و انتشار کتاب تاریخ تمدن و ملک مهدوی بود که بخشی مهم از دیدگاه‌های تحلیلی و توصیفی دکتر محمدهادی همایون را دربرداشت که در نوع خود تحولی در مطالعات تمدنی ایران بود؛ سومین گام، اقدام معاونت پژوهشی و انتشارات دانشگاه در پانزده سال گذشته در تهیه تک‌نگاشت‌ها و تک‌برنامه‌های علمی در حوزه تمدن بود که حاصل آن برخی آثار منتشرشده برای نخستین بار در فضای علمی کشور بود. هرچند برخی از این آثار عرضه و معارفه مطلوبی نداشته‌اند، می‌توان آنها را گام‌های مؤثری در این موضوع قلمداد کرد؛ آثاری مانند آفاق تمدنی انقلاب اسلامی،^۱ گفتارهایی در زمانه‌شناسی^۲ (بیگدلی و امامی)، و مهدویت و رهیافت تمدنی^۳ (دو جلد به کوشش پورسیدآقای و امامی). تعامل و به هم رسیدن نسبی دو جریان پیش‌گفته در سال ۱۳۹۴ و در اثنای بازنگری و تحول ساختاری دانشکده فرهنگ و ارتباطات، منجر به تأسیس اولین گروه در نظام آموزش عالی شد که عملاً رویکرد تمدن نوین اسلامی (نظری، راهبردی و آینده‌گرا) بر آن حاکم بود. «گروه مطالعات فرهنگ و تمدن» توانست گرایش ارشد تمدن نوین

۱. جلال درخشه و همکاران، آفاق تمدنی انقلاب اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.

۲. عطاءالله بیگدلی، گفتارهایی در زمانه‌شناسی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.

۳. سیدمسعود پورسیدآقای و سیدمجید امامی، مهدویت و رهیافت تمدنی: کاوش‌هایی نظری و راهبردی در تمدن نوین اسلامی (برترین مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵.

اسلامی برای رشته فرهنگ را نیز با بیست درس طراحی کند که در فرایند تصویب نهایی وزارت علوم قرار گرفته است. گذشته از این، در شرایط گذار انبوهی از مسائل و دستور کارهای آموزشی و پژوهشی در این گروه در حال پیگیری است (مانند طراحی دوره دکتری) که با اعضای متمرکز بر این موضوع، کمیته علمی مهم برای این عرصه را تأمین کرده است؛ حرکت چهارم که در واقع ارگان و نمود پیش تمدنی تازه تأسیس در دانشگاه در عرصه‌های بیرونی و ترویج علم بود، همایش اربعین بود که سه دوره در عراق برگزار شد. دبیر علمی آن دکتر محمدهادی همایون و دبیرخانه آن نیز داخل دانشگاه امام صادق علیه السلام در اندیشه گفت‌وگوی بین‌المللی علمی در تمدنی‌ترین پدیده زنده مذهبی جهان یعنی پیاده‌روی اربعین بوده است.

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی علیه السلام قزوین:^۱ فعالیت‌های دانشی و تمدنی این دانشگاه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی که به صورت مستقیم به مطالعات تمدنی می‌پردازند. در بعد آموزشی، دانشگاه با تأسیس دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی و راه‌اندازی رشته‌هایی مانند رشته تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، در مقاطع مختلف دانشجویان را پذیرفته است و اکنون تعداد زیادی از دانشجویان ایرانی و غیرایرانی از رشته‌های مربوط به مطالعات تمدنی فارغ‌التحصیل شده‌اند. از جهت پژوهشی نیز استادان دانشگاه با توجه به حوزه مطالعاتی خود، به پژوهش‌های متنوع تمدنی پرداخته‌اند که نتیجه آن تدوین پایان‌نامه‌ها و انتشار کتاب‌ها و مقالات مختلف و همچنین برگزاری همایش‌های متعدد در این زمینه است. بخشی از فعالیت‌های پژوهشی در پژوهشکده آینده‌پژوهی در این دانشگاه، بر مطالعات تمدنی با رویکرد آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری متمرکز شده است. با مطرح شدن موضوع تمدن نوین اسلامی و هفته علمی تمدن نوین اسلامی، پژوهشکده مسئولیت کمیسیون آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی را برعهده گرفت. نتیجه این فعالیت‌ها برگزاری همایش‌های متعدد و انتشار فصلنامه و مقالات مختلف در زمینه تمدن نوین اسلامی بوده است.

علاوه بر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی گفته‌شده، فعالیت‌های دیگری نیز در این

۱. این گزارش توسط جناب آقای دکتر کامیل قاسمی در دانشگاه قزوین تهیه و ارسال شده است.

دانشگاه بوده است که به صورت غیرمستقیم به مطالعات تمدنی پرداخته‌اند که آموزش‌ها و پژوهش‌های مربوط به زمینه زبان و ادبیات فارسی، ایران‌شناسی، علوم اسلامی، و معماری و شهرسازی را می‌توان در همین راستا تعریف و دسته‌بندی کرد.

گروه تاریخ و تمدن دانشگاه باقرالعلوم^۱: دانشگاه باقرالعلوم^۲ که معاونت آموزشی دفتر تبلیغات اسلامی است، گروه تاریخ و تمدن در آن قدیم‌ترین گروه دانشگاهی در قم است که بر اساس مصوبه هیئت امنای این دانشگاه، نام پیشین خود (گروه تاریخ) را در سال ۱۳۹۵ به گروه تاریخ و تمدن تغییر داد. مهم‌ترین فعالیت گروه در این فاصله زمانی، حمایت از تدوین برنامه و سرفصل دروس رشته مطالعات نظری تمدن که در مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی طراحی شد.

پژوهشکده اسلام تمدنی (مشهد):^۲ این پژوهشکده که وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در قم است، در پژوهش‌های خود بیشتر با رویکرد تمدنی وارد شده است. رونمایی از ابعاد و زوایای تمدنی برخی متون گذشته (که به ظاهر کاربری تمدنی ندارند) مانند الذریعه، از کارهای این مجموعه با رویکرد تمدنی بوده است. علاوه بر این و برخی آثار تمدنی در آن، برگزاری کارگاه‌های تمدن اسلامی در دانشگاه‌ها و سفر علمی نخبگان با هدف اکتشاف ظرفیت‌های تمدنی جهان اسلام، از فعالیت‌های تمدنی در این پژوهشکده بوده است. برخی آثار و پژوهش‌های تمدنی در این پژوهشکده را می‌توان در این موارد پی گرفت: کتاب اندیشه‌های تمدنی آیت‌الله شیخ محمد رضا کلباسی (آماده نشر) و کتاب اندیشه‌های تمدنی شیخ عزیزالله عطاردی، و همین‌طور مقالاتی همچون «نقش مطالعات انتقادی در احیای علوم دینی در تمدن نوین اسلامی»، «طبقه‌بندی علوم با رویکرد اسلامی - ایرانی»، «ضرورت شناسایی الزامات و مختصات پارادایم جدید»، «پارادایم نوین تقسیم علوم در ایران»، «پیامدهای اقبال و ادبار به علوم طبیعی در تمدن اسلامی»، «ظرفیت تمدنی

۱. این گزارش کوتاه از فعالیت گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم^۳ توسط حجت الاسلام والمسلمین دکتر محسن الویری ارائه شده است.

۲. گزارش از پژوهشکده اسلام و تمدن و فعالیت‌های تمدنی آن توسط دکتر محمد باغستانی آماده و ارائه شد و سپس توسط نویسنده تلخیص شد.

محبت در مکتب رضوی»، «بررسی جایگاه تعامل تمدنی حوزه‌های علمیه شیعه در جهان اسلام»، «بررسی موقعیت دانش تمدن‌شناسی در تمدن اسلامی»، «موقعیت فرهنگی تمدنی شیعه در روزگار امامان با تأکید بر دوره امامت حضرت رضا (ع)»، «بینش‌ها و کنش‌های تمدنی سید مرتضی»، «اندیشه‌های اجتماعی جاحظ»، «کاربرد واژگان عدالت و تمدن و نسبت میان آن دو در قرآن»، «موضوع تمدن‌اندیشی و موقعیت کنونی آن در ایران»، «الزام نخست حرکت به سوی برپایی تمدن نوین اسلامی»، «گذری بر ابعاد فرهنگی تمدنی شیعیان در تاریخ اسلام به روایت عبدالجلیل قزوینی در کتاب النقص»، «جایگاه نمادها در ایجاد و گسترش تمدن اسلامی»؛ که همه از نمونه‌های مطالعات تمدنی در این پژوهشکده به‌شمار می‌آیند.

پژوهشکده تاریخ (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)^۱: رویکرد تمدنی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نه فقط در مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی یا در پژوهشکده اسلام تمدنی، بلکه در برخی پژوهشکده‌ها نیز وجود داشته است که از آن جمله می‌توان به پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) اشاره کرد. در این پژوهشکده، رویکرد تمدنی در بازشناسی نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در این کتاب‌ها لحاظ شده است: دیوان نقابت اثر آقای محمدهادی خالقی که پیدایش و گسترش اولیه تشکیلات سرپرستی سادات را بررسی کرده است؛ دولتمردان شیعه در دستگاه خلافت عباسی اثر آقای دکتر مصطفی صادقی که از شخصیت‌های شیعی کارگزار خلافت عباسی بحث کرده است؛ نهاد ولایتعهدی در خلافت اموی و عباسی اثر دکتر عباس احمدوند. علاوه بر آثار فوق، برخی آثار این مجموعه به مقوله فرهنگ جامعه اسلامی پرداخته‌اند: فرهنگ‌نامه مؤلفان اسلامی که نویسندگان مسلمان و آثار آنها را به اختصار تا پایان قرن ششم بررسی کرده است؛ سیمای دوازده امام در میراث مکتوب اهل سنت اثر آقای دکتر منصور داداش‌نژاد که زندگانی ائمه (ع) را در کتب و فرهنگ اهل سنت بررسی کرده است؛ و اهل بیت (ع) در آثار دانشمندان اندلس

۱. این قسمت توسط ریاست محترم پژوهشکده تاریخ و سیره، جناب آقای دکتر حمیدرضا مطهری، ارائه شده است.

اثر آقای دکتر حمیدرضا مطهری که دیدگاه و فرهنگ دانشمندان اندلس دربارهٔ اهل بیت علیهم‌السلام را تبیین کرده است. در این بین، برخی تحقیقات معطوف به میراث گذشتگان مانند تاریخ‌نگاری ابن طاووس اثر آقای دکتر مصطفی صادقی، و برخی آثار تعاملی مانند تعامل شیعیان امامیه با دیگر مسلمانان در سه قرن اول هجری اثر سیدعبدالله حسینی، مواجهه ائمه علیهم‌السلام با ناهنجاری‌های اجتماعی اثر آقای دکتر سیدعلیرضا واسعی، مناسبات اهل بیت علیهم‌السلام و ایرانیان اثر آقای دکتر سیدمحمود سامانی یا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مدیریت تنش‌های مدینه اثر آقای دکتر حسین قاضی‌خانی از آثاری هستند که درباره تعامل مسلمانان با دیگران و تلاش آنها در تنش‌زدایی بحث کرده‌اند. برخی پژوهش‌های تمدنی در پژوهشکده به فرهنگ منطقه‌های خارج از قلمرو ایران پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به تاریخ اجتماعی شیعیان هند اشاره کرد که روابط اجتماعی شیعیان در این منطقه را بررسی کرده است.

علاوه بر مراکز بیان‌شده، مراکز دیگری نیز اخیراً با رویکرد تمدنی به پژوهش‌ها و مطالعاتی پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

مؤسسه تحقیقاتی «فقاہت و تمدن‌سازی اسلامی» که در سال ۱۳۸۹ با هدف پیگیری و تحقق منویات مقام معظم رهبری در باب تولید علم در زمینه تمدن‌سازی و سبک زندگی اسلامی و همین‌طور در عرصه تحول علوم اسلامی و حوزوی تشکیل شد. مؤسسه تحقیقاتی «فقاہت و تمدن» بر این باور است که حوزه مسئول دین‌داری مردم و خاستگاه تمدن اسلامی است؛ تمدنی که ظهور آن در گرو دو مقدمه است: ترسیم نقشهٔ راه و ارائهٔ نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هنری برای حکومت دینی؛ تربیت نیروی انسانی توانمند و اندیشه‌گر. این دو مقدمه واجب، خود در گرو اصلاح روش‌ها در فهم مفاهیم دینی است. مؤسسه تحقیقاتی فقاہت می‌کوشد در این مسیر گام بردارد و محتوای فقهی موجود را که از پستوانه صدها سال کار علمی فقها و اندیشمندان شیعی برخوردار است، برای پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های تمدن اسلامی، توانمندتر سازد؛

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه‌السلام از دیگر مراکز علمی است که کتاب‌هایی با رویکرد تمدنی تدوین کرده است که از جمله آنها می‌توان به آشنایی با تاریخ تمدن

اسلامی،^۱ هویت دینی و ملی ایرانیان،^۲ و تأملی بر عوامل پیشرفت و انحطاط مسلمانان^۳ اشاره کرد. افزون بر این، مطالعات تاریخی فراوانی در این پژوهشگاه صورت گرفته که در آن درباره تاریخ اسلام و سیره پیشوایان دینی با رویکرد تمدنی مطالعه و تحقیق شده است. از سال ۱۳۹۴ با تشکیل گروه تاریخ و تمدن اسلامی، برخی پژوهش‌های بنیادی و توسعه‌ای در این پژوهشگاه در حوزه تمدن نوین اسلامی آغاز شد که از آن جمله می‌توان به «نقش سپاه در فرایند تحقق تمدن اسلامی» و «نقش ولایت فقیه در تمدن نوین اسلامی» اشاره کرد. همچنین این پژوهشگاه اقدام به راه‌اندازی مجله تخصصی پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی کرده است؛

مرکز پژوهشی تمدن اسلامی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله که از سال ۱۳۹۶ فعالیت‌های خود را آغاز کرده، فعالیت‌های خود را در سه گروه تمدن و مدیریت در اسلام، تمدن و سیاست اسلامی، الهیات و تمدن، و تاریخ و تمدن اسلامی دسته‌بندی کرده است. فصلنامه علمی علم و تمدن در اسلام وابسته به این مرکز است؛

سرانجام مرکز دیگری هم که تلاش دارد در عرصه‌های تمدنی مطالعاتی داشته باشد، مؤسسه مطالعات تمدنی اسلامی (متا) است که از سال ۱۳۹۰ آغاز به کار کرده و آثاری را در این باره منتشر ساخته است که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های جستارهای نظری در باب تمدن اسلامی،^۴ بحران تمدنی ایران معاصر،^۵ و عرفان سیاسی و تمدن‌سازی اسلامی^۶ اشاره کرد.

«موضوع و رویکرد تمدن» در گفتمان‌سازی

مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامی (گفتمان‌سازی در سطح جهان اسلام):^۷ این مرکز

-
۱. عبدالحسین بینش، آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۸.
 ۲. حبیب زمانی محبوب، هویت دینی و ملی ایرانیان، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۰.
 ۳. جعفر وفا و حبیب زمانی محبوب، تأملی بر عوامل پیشرفت و انحطاط مسلمانان، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۹.
 ۴. محمدحسین متولی امامی، جستارهای نظری در باب تمدن اسلامی، قم، نشر معارف، ۱۳۹۴.
 ۵. محمدحسین متولی امامی، بحران تمدنی ایران معاصر، قم، نشر معارف، ۱۳۹۵.
 ۶. محمدحسین متولی امامی، عرفان سیاسی و تمدن‌سازی اسلامی، قم، کتاب فردا، ۱۳۹۸.
 ۷. گزارش از مرکز الحضارة در پی درخواست نویسنده مقاله و توسط ریاست محترم مرکز، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی سبحانی، آماده شده است.

از مراکز ایرانی - عربی در حوزه مطالعات تمدنی است. دیرینه این مرکز به گذشته‌ای نه‌چندان دور می‌رسد. برای پیگیری پروژه تمدن نوین اسلامی در سطح جهان اسلام با همت چند تن از شخصیت‌های فکری و فرهنگی از ایران و لبنان در سال ۲۰۰۷ میلادی (مصادف با ۱۳۸۶ شمسی)، مؤسسه‌ای با نام «مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامی» در شهر بیروت پایه‌گذاری شد. مرکز الحضارة با این باور که راه عملی برای حل معضلات کنونی جهان اسلام، تنها با توافق نخبگان مسلمان بر سر اصول راهبردی و مصالح مشترک امت اسلامی صورت می‌پذیرد، معتقد است این مهم در حال حاضر در پرتو گفتمان تمدن نوین اسلامی امکان‌پذیر است. ازاین‌رو هسته اصلی فعالیت‌های مرکز بر شناسایی مؤلفه‌های اندیشه تمدنی و معرفی این گفتمان به محافل علمی و فرهنگی در جهان اسلام تمرکز یافت و امروز پس از ده سال فعالیت مستمر، افتخار دارد که با تولید ۲۵۰ جلد کتاب و برقراری ارتباط گسترده با محافل علمی و فرهنگی و تشکیل سی همایش و نشست تخصصی و ۱۵۰ بار حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی، گامی در این راه پرفرازونشیب برداشته است. مرکز الحضارة در راستای شناسایی و شناساندن اصول و عناصر مدنیت نوین اسلامی، از همان آغاز این اهداف را در دستور کار خویش قرار داد: ۱. شناخت چهارچوب تفکر تمدنی اسلام از منظر معارف قرآن کریم و سنت پیامبر بزرگ اسلام ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان علیهم‌السلام؛ ۲. بازخوانی تجربه‌های تمدنی مسلمانان در طول تاریخ و نیز بازشناسی اندیشه‌ها و اقدامات اصلاحی متفکران و رهبران اسلامی در دوره معاصر؛ ۳. پی‌جویی اسباب انحطاط و انفعال فکری و تمدنی جهان اسلام در برابر دنیای غرب و آسیب‌شناسی فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی؛ ۴. برقراری پل‌های ارتباطی میان نخبگان و مؤسسات اسلامی در جهت معرفی و گسترش اندیشه تمدنی اسلام؛ ۵. ایجاد شبکه تعاملات و تبادلات فکری در میان نخبگان در جهت مشارکت در تولید بنیادهای تمدن نوین اسلامی. در راستای اهداف یادشده، مقرر شد که این برنامه کلان در سه گام پیگیری شود: گام نخست: تولید و تقویت ادبیات تمدنی از طریق تألیف، ترجمه و برپایی نشست‌ها و همایش‌ها؛ گام دوم: تلاش در جهت گفتمان‌سازی گسترده در خصوص اندیشه تمدنی

اسلام و ارائه آن به عنوان یک پارادایم رقیب در برابر مدرنیته؛ گام سوم: ایجاد زمینه‌های لازم برای تولید مؤلفه‌های علوم تمدن‌ساز اسلامی به صورت مشترک توسط نخبگان مسلمان. ناگفته نباید گذارد که زبان مورد نظر در برنامه‌های این مرکز به دلیل محدودیت امکانات، به زبان عربی محدود شد و سطح مخاطبان نیز به نخبگان علمی و دینی و به ویژه نسل جوان اندیشمند در کشورهای اسلامی اختصاص یافت. برای تحقق گام نخست، مرکز با طراحی پنج سلسله، به تألیف و تولید آثار علمی در این راستا پرداخت: سلسله مطالعات قرآنی، سلسله مطالعات تمدنی، سلسله شخصیت‌های فکر و اصلاح، سلسله تجربیات ایران معاصر و سلسله روابط ایران و عرب. البته مرکز در ضمن پر کردن خلأ ادبیات تمدنی از طریق تولید و توزیع گسترده آثار، از تعامل گسترده با شخصیت‌های فکری، اجتماعی و سیاسی و نیز همکاری با مؤسسات علمی غافل نماند و به اندازه مقدمات اندک خود، توانست جایگاه شایسته‌ای در سطح جهان اسلام به دست آورد. فراورده‌های علمی و موقعیت بین‌المللی مرکز الحضاره امروزه فرصتی فراهم آورده است که گام‌های بعدی در راستای گسترش تفکر تمدنی به سهولت و با عمق بیشتری برداشته شود. بی‌گمان این مهم، تنها در سایه همکاری و هم‌افزایی سایر مؤسسات اسلامی امکان‌پذیر می‌شود.

میز تمدن (در قطب نظام سیاسی و اجتماعی دفتر تبلیغات اسلامی):^۱ میز تمدن که فعالیت خود را در چهارچوب رویکرد مسئله‌محوری در دفتر تبلیغات اسلامی از بهمن ۱۳۹۳ آغاز کرد، پس از تدوین بیانیه تبیینی مفهوم ضعف بینش تمدنی (به مثابه مسئله قانونی خود) و نظام موضوعات آن که در یک نشست عمومی با حضور صاحب‌نظران اعتبارسنجی و ویرایش شده بود، فعالیت‌هایی را در چهار محور آموزش، پژوهش، فرهنگ‌سازی و اصلاح قوانین و ساختارها با محوریت و اولویت جامعه مخاطب طلاب سامان داد. فاز نخست فعالیت‌های این میز که به منزله ستاد برای مراکز اقدام در دفتر تبلیغات اسلامی است معطوف به مباحث نظری تمدن با تأکید بر تمدن نوین اسلامی بود و

۱. گزارش از میز تمدن در دفتر تبلیغات، توسط رئیس محترم میز، جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر محسن الویری، آماده و ارائه شده است.

اکنون محور اصلی این فعالیت‌ها تبیین و ترویج مفهوم بینش تمدنی و شاخصه‌های آن برای گروه‌های مختلف روحانیان مانند مبلغان، طلاب در حال تحصیل و حتی ائمه جمعه است. راه‌اندازی سامانه جامع تمدن اسلامی از فعالیت‌های شاخص میز در آینده نزدیک است. برخی از اقداماتی که در این میز انجام گرفته است عبارت‌اند از:^۱ تدوین بسته جامع اقدامات حل مسائل معطوف به مسئله ضعف بینش تمدنی؛ طراحی ماتریس نظام مسائل و راهکارهای حل مسائل تمدنی؛ طراحی پژوهش‌های معطوف به مفاهیم، چیستی، نظریه‌ها، رویکردها، جریان‌ها، مأخذشناسی، معطوف به تاریخ تمدن اسلامی، معطوف به تمدن نوین اسلامی، معطوف به آموزه‌های تمدنی اسلام با تأکید بر مکتب اهل بیت (ع)، معطوف به تمدن اسلامی و دیگر تمدن‌ها، به‌ویژه تمدن غرب؛ طراحی و تدوین طرح جامع آموزشی در حوزه تمدن در مقطع دکتری و سطح چهار حوزه و ارشد؛ برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های آموزشی تمدن اسلامی و آموزش‌های غیررسمی و نشست‌های علمی تخصصی مرتبط با تمدن اسلامی؛ هدایت پایان‌نامه‌های مرتبط با تمدن اسلامی (فقهی، فلسفی، کلامی، تفسیری و حدیثی) و حمایت از آنها؛ برگزاری همایش‌های علمی ترویجی در حوزه تمدن اسلامی و برگزاری نشست و مسابقات هنری و ادبی و انجام فعالیت‌های فرهنگی - هنری در حوزه تمدن اسلامی؛ طراحی سامانه تمدن اسلامی؛ بازبینی در چگونگی تعامل و تمرکززایی گروه‌های تمدنی و رشته‌های آموزشی و پژوهشی.

همایش‌های سالانه «هفته تمدن نوین اسلامی» (گفتمان‌سازی داخلی): با هدف ترویج گفتمان تمدن نوین اسلامی در فضای عمومی کشور و همچنین فضاهاى علمی و نخبگانی مانند حوزه و دانشگاه و همچنین تولید علم و نظر در موضوع تمدن نوین اسلامی.

هفته علمی تمدن نوین اسلامی در سال ۱۳۹۴ با محوریت مؤسسه علوم انسانی اسلامی صدرا و مشارکت مراکز مختلف علمی حوزوی و دانشگاهی تأسیس شد. هدف اولیه ترویج گفتمان تمدن نوین اسلامی بود که با تعیین هفته اول اسفند به‌عنوان هفته علمی تمدن نوین اسلامی و برگزاری افتتاحیه در آغاز هفته و اختتامیه در پایان هفته و

۱. فهرست اقدامات توسط دبیر محترم میز تمدن، آقای مجید نقدی، نوشته و ارسال شده است.

برگزاری نشست‌های علمی، همایش‌های نیم‌روزه و کرسی‌های ترویجی و نقد و نظریه‌پردازی توسط مراکز مختلف در طول هفته، این هدف پی گرفته شد. در راستای هدف دوم نیز، پس از تدوین یک نظام‌نامه موضوعی و ریزموضوعات در حوزه تمدن نوین اسلامی و تشکیل هفت کمیسیون بر اساس هفت محور کلان مبانی نظری، چپستی و ماهیت، سیر تکوین، الزامات، مطالعات تمدنی و علوم مرتبط با تمدن نوین اسلامی، ظرفیت‌های موجود برای تمدن‌سازی، آینده‌پژوهی و تمدن نوین اسلامی، هریک از محورهای مذکور به یکی از مراکز علمی حوزوی یا دانشگاهی سپرده شد. باتوجه‌به فعالیت علمی مراکز مختلف و شخصیت‌های مختلف علمی با تخصص‌ها و گرایش‌های مختلف، با رویکردهای مختلف فلسفی، سیاسی، تاریخی، جامعه‌شناختی، عرفانی و فقهی، در سال اول و دوم به بحث تمدن نوین اسلامی پرداخته و مقالات علمی متعددی تولید شد. با تولید حدود دویست مقاله علمی در دو سال اول از هفته تمدن، در سال سوم فعالیت‌های مراکز علمی در طول هفته تمدن نوین اسلامی، بر نقد و بررسی مطالب تولیدشده و گفت‌وگو و مناظره در موضوع تمدن نوین اسلامی و طرح و بررسی نگاه مخالفان بحث تمدن نوین اسلامی تمرکز یافت و آن‌گاه در سال چهارم نیز رویکرد همایش انضمامی و به بحث‌های کاربردی معطوف شد.

شایان ذکر است آنچه دانشگاه شاهد در مدت چهار سال گذشته انجام داده، مانند تأسیس دبیرخانه دائمی همایش ملی تمدن نوین اسلامی، انتشار دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی و برگزاری نشست‌های متعدد در موضوع تمدن نوین اسلامی، همه در همین راستا و همسو با هفته تمدن نوین اسلامی بوده است.

ظرفیت‌های تمدن‌پژوهی در ایران

نگرش تمدنی در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها در رشته‌های مختلف و ساحت‌های گوناگون علمی، مسائل جدید، پرسش‌های تازه و روش‌های نو و پیشرفته‌ای را باعث شده و مرزهای دانش را تاحدی توسعه بخشیده است. این تحولات امروزه در علوم اسلامی

ترکیبات تمدنی جدیدی مانند فقه تمدن،^۱ کلام و تمدن،^۲ الهیات و تمدن،^۳ قرآن و تمدن،^۴ فلسفه و تمدن، و عرفان و تمدن^۵ را به وجود آورده و افق‌های جدیدی را در استنتاج تمدنی از اسلام و کتاب و سنت گشوده است. علاوه بر علوم اسلامی، برخی دیپارتمان‌ها در علوم انسانی نیز از موضوع تمدن یا رویکرد تمدن متأثر شده‌اند و مطالعات نوینی را در این راستا شروع کرده‌اند. در این باره، نه فقط دیپارتمان تاریخ، بلکه برخی دیپارتمان‌های جدید درباره تمدن و ابعاد نظری دین و تمدن شکل گرفته است که نمونه‌های آن را می‌توان در «گروه مطالعات فرهنگ و تمدن» در دانشگاه امام صادق (ع) یا رشته «مطالعات نظری تمدن» در دانشگاه باقرالعلوم (ع) مشاهده کرد. علاوه بر ساحت‌های علمی نو در تمدن و تمدن‌پژوهی، ساحت‌های تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و اجتماعی در ایران معاصر نیز از گفتمان تمدن اسلامی متأثر بوده و البته بر آن اثر هم گذاشته است. در این باره، اساساً سطح مواجهه با مسائل دنیای اسلام و سطح برخورد با بلوک شرق و غرب (به‌ویژه آنجا که توسط رهبر معظم انقلاب اعمال می‌شود) سطح کلان تمدنی بوده و ساحت‌های جدید و افق‌های نوینی را فراروی جهان اسلام و ایران معاصر گشوده است.

آسیب‌های تمدن‌پژوهی در ایران

به‌رغم فعالیت‌های گسترده‌ای که در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در دوره بعد از انقلاب در

۱. مانند آنچه در مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی مشهد با عنوان «فقه تمدنی» مطرح شده و

اخیراً به شکل یک رشته در برنامه‌های حوزه علمیه مشهد در حال گذراندن مراحل اداری خود است.

۲. مانند کتاب ظرفیت‌های تمدنی علم کلام که در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در آستانه چاپ است.

۳. مانند کتاب کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن.

۴. مانند نشست‌ها و هم‌اندیشی‌هایی که در چند سال اخیر در موضوع قرآن و تمدن در دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه برگزار شده است؛ همین‌طور حلقه «قرآن و تمدن» در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی که متشکل است از استادان قرآنی و تمدنی، که در خوانش تمدنی از قرآن بیش از پنجاه مورد جلسات مباحثه و گفت‌وگو داشته‌اند.

۵. فلسفه و تمدن و همین‌طور عرفان و تمدن از پروژه‌های جاری است که در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در جریان است و به‌زودی مجموعه گفتارهای مربوط به تمدن در فلسفه و عرفان در گفت‌وگو با استادان فلسفه و عرفان آماده و منتشر خواهد شد.

موضوع تمدن یا با رویکرد تمدنی شکل گرفته، آفت‌ها و آسیب‌های جدی‌ای نیز به وجود آمده و اندیشه تمدن و تفکرات تمدنی و همین‌طور فرایند تمدنی را در جهان اسلام با وقفه‌هایی مواجه کرده و مانع هم‌افزایی، دقت و تعمیق اندیشه تمدن و عملیات تمدنی شده است. بسیاری از مطالعات ناظر به موضوع تمدن، پیشینه‌های مربوط به این موضوع را در ایران، در جهان عرب، در دنیای اسلام، در جهان امروز و در قلمروهای تمدنی شرق و غرب مغفول می‌گذارند و به آن اعتنا نمی‌کنند. عدم ارتباط پژوهشگران تمدنی با یکدیگر، فقدان گفت‌وگوها و هم‌اندیشی‌های مؤثر، و بالاخره توقف در آیین‌های تمدنی و تشریفات همایشی به‌طور واضح مطالعات تمدنی را ضعیف و ناکارآمد می‌کند. همین ناکارآمدی در سامانه مطالعات تمدنی، موجب شده است که بعد از سالیان سال، هنوز متن مرجعی درباره تمدن و تمدن اسلامی تولید نکرده باشیم، در هیچ‌یک از مجامع تمدنی حضوری مؤثر نداشته باشیم، طرف‌های تمدنی خود را در ترکیه، جهان عرب و شرق آسیا به‌درستی نشناسیم، و مسئله‌های تمدنی را در جهان خود ندانیم و درباره آن تحلیل درخوری نداشته باشیم.

نبود رویکرد انضمامی در مطالعات تمدنی، فقدان مزاج حل مسئله در میان بسیاری از تمدن‌پژوهان، و توقف در لفظ و فلسفه تمدن و غفلت از عناصر و اصول و شاخص‌های تمدن، تمدن و تمدن‌پژوهی در ایران را بی‌ثمر نشان می‌دهد. سخن مقام معظم رهبری در دیدار اخیرشان با برخی تمدن‌پژوهان که «باید مراقب باشیم که کار نظری و آن تلاش نظریه‌سازی، ناظر به میدان، ناظر به واقعیت، ناظر به عمل و ناظر به راهکار باشد» در همین راستا و برای انضمامی دیدن و انضمامی کردن مطالعات تمدنی بود. این غفلت بزرگ، خلأهای بزرگی را موجب شده و حفره‌های عمیقی را بین حوزه نظر و عمل ایجاد کرده است. علاوه بر این، تأکید بر حوزه نظر و فراموشی ساحت‌های عملی، به لحاظ روانی نوعی سیری کاذب و اعتمادبه‌نفس غیرواقعی در تمدن دانستن و تمدن داشتن به وجود می‌آورد و تمدن‌پژوهان را در برابر فضای رقابت‌های سخت تمدنی در دنیای اسلام بی‌انگیزه می‌سازد. سوم، خلأهای بزرگ دانشی در حوزه مطالعات تمدنی است. نوع تمدن‌پژوهان در ایران، به جهت ضرورت‌های چندرشته‌ای و مهارت‌های چندزبانی، آمادگی لازم را برای توسعه

مطالعات خود و توجه به ادبیات گسترده تمدنی ندارند. تک‌زبانه یا دوزبانه بودن، و همین‌طور تک‌اندیشی در حوزه‌های مربوط به تمدن (که موضوعی بس فراخ و امری کاملاً جهانی است و اندیشه در آن موضوع نیز باید در مقیاس کلان و گسترده و در سطح جهان اسلام انعقاد پیدا کند) عملاً «تمدن» را در ایران به «جامعه» تقلیل داده و آن را در ساحت اندیشه و نظریه نیز محصور و منزوی کرده است.

نکته چهارم و آفت اصلی در تمدن‌پژوهی یا رویکرد تمدنی، سیاسی و گاه شعاری کردن تمدن است. اساساً نظریه تمدن و تمدن اسلامی باید در دانشگاه و حوزه و در فرایند تحصیلات و تحقیقات آکادمیک شکل بگیرد. هرچند حمایت و پشتیبانی نهادهای سیاسی از تمدن‌پژوهی، آن‌هم در فضایی که تمدن‌پژوهی از سوی برخی جریان‌های سکولار به‌سخره گرفته می‌شود، بسیار حائز اهمیت و حیاتی است، نباید این روند به سامانه دانشی و منطق علمی در فضاهای دانشگاهی و حوزوی آسیب برساند و مطالعات تمدنی در پاسخ به مطالبات اجتماعی، سطحی و عجولانه شکل بگیرد. سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر با تمدن‌پژوهان (بهمن ۱۳۹۷) دراین باره نیز درخور توجه است که فرمودند: «من می‌خواهم عرض بکنم که کار نظری را خیلی قوی و فاخر باید انجام داد؛ یعنی هم خود فکر باید قوی و فاخر باشد، هم ادبیاتی که ارائه می‌کند باید بسیار فاخر و قوی باشد تا بتواند جوامع نخبگانی کشور را تحت تأثیر قرار بدهد.»

آخرین نکته‌ای که باید بر آن تأکید کرد، نبود توازن در سرعت تحولات تمدنی با سرعت در اندیشه‌ورزی‌های تمدنی است. در دنیای امروز اساساً زمان بر مکان سبقت گرفته و واحدهای زمانی تمدن نسبت به یک سده قبل بسیار کوتاه‌تر شده است. به موجب ارتباطات سهل انسانی و به دلیل تضاعف و تراکم نیروهای فکری، عملاً در کمترین زمان رخدادهای بزرگی اتفاق می‌افتد و دراین بین کسی می‌تواند به‌مثابه عامل تمدنی مؤثرترین باشد که خود را با سامانه‌های سرعت در جهان امروز وفق دهد و از امواج نظریات و عملیات تمدنی در جهان امروز عقب نماند.

نتیجه گیری

به رغم وجود برخی آسیب های جدی در مطالعات تمدنی، آنچه در ایران در پانزده سال گذشته (از سال ۱۳۸۳) در موضوع تمدن شکل گرفته است، افق های روشنی دارد و اندیشه های جدیدی را در این باره نوید می دهد. با وجود نقدهای گوناگونی که به موضوع تمدن و گاه به رویکردهای تمدنی مطرح شده، نگرش تمدنی کم و بیش در ادبیات کنشگران غیردولتی در عرصه های بین الملل بسیار جدی تر است از کنشگران دولتی. این نگرش، نه تنها سطوح فکری و دانشی تمدنی را در آینده ایران ترقی خواهد بخشید، بلکه در سطوح کنشگران اصلی در عرصه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جهان اسلام نیز آثار بزرگی در پی خواهد داشت و باعث توسعه عقلانیت تمدن نگر و امت ساز در ایران و در میان ایرانیان خواهد شد.

برای این منظور نباید لفظ تمدن، حجاب تفکر تمدنی و حرکت تمدنی در ایران باشد و گفت وگوها در موضوع تمدن بر گفت وگوها در حوزه های تمدنی یا گفت وگوها با رویکرد تمدنی سبقت بگیرد. رویکرد تمدنی عملاً تمدن را نزدیک تر و در دسترس تر قرار می دهد تا سخن از موضوع تمدن را، که ممکن است آن را تبدیل به یک آرزو کند؛ درحالی که در ایران کنونی کسانی که به موضوع تمدن پرداخته اند بیش از کسانی هستند که با رویکرد تمدنی به مسائل امت اسلام و دنیای مسلمانان می پردازند. با همه این کاستی ها و عقب ماندگی های نظری و تمدنی، تجربه میدانی جمهوری اسلامی در عرصه های تمدنی بسیار درخور اعتنا بوده و در مقایسه با کشورهای دیگر هم این تجربه ها جلوتر، پیشرفته تر و پیچیده تر شده است. همین تجربه های مترکم تمدنی، سطح بینش تمدنی در میان انقلابیون ایران را هم ترقی بخشیده است.

کتابنامه

- خضری، سیداحمدرضا، دانشکده الهیات، دسترسی در: <https://cgje.org.ir/fa/news/28013>.
- سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۵). «درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر»، فصلنامه نقد و نظر، س ۱۱، ش ۳۴ و ۴۴.
- _____ (۱۳۸۶). «درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشه دینی در ایران معاصر»، فصلنامه نقد و نظر، س ۱۲، ش ۵۴ و ۴۶.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.ؑ
- نصر، حسین (۱۳۸۲). «برخورد تمدن‌ها و سازندگی آینده بشر»، در: نظریه برخورد تمدن‌ها، ساموئل هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه و ویراسته مجتبی امیری، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۲). «برخورد تمدن‌ها»، در: نظریه برخورد تمدن‌ها، ساموئل هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه و ویراسته مجتبی امیری، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- Mazlish, Bruce (2001). "Civilization in a Historical and Global Perspective", International Sociology, 16.
- Kaplan, Mordecai (1994). Judaism as a Civilization, Toward a Reconstruction of American-Jewish Life, Jewish Publication Society of America.